



جوان سوسیالیست

www.javaan.net

نشریه اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران

انقلاب ونزولاً و انقلاب ایران

متن سخنرانی م. رازی در کنگره «کمیته برای بین الملل مارکسیستی» در مورد انقلاب ونزولاً

رفقا

انقلاب ونزولاً برای ما در ایران فوق العاده پر اهمیت است و ما آنچه که در حال اتفاق افتادن است را از نزدیک دنبال می کنیم. تا آنجایی که به حضور و دخالت توده ها در انقلاب، وضعیت انقلابی در این دوران، ماهیت بورژوازی و فعالیت های درون مبارزات طبقاتی برمی گردد، شباهت هایی بین انقلابات ما وجود دارد.

صفحه ۷

سخنی با جوانان

سوسیالیست دربارہ ی

سازمان یابی

صفحه ۸

سرسخن

ما با یکی از فعالین سرشناس جنبش دانشجویی، کسی که در مبارزات سالهای اخیر به قول معروف استخوان ترکنده بود، بارها پایش به کمیته ی انضباطی کشیده شده و تعلیقی خورده بود و حتی یک بار هم سر از زندان اطلاعات در آورده و با دادن تعهد موقتاً آزاد شده بود، همکلاس بودیم. اما با تمام این سوابق فعال سرشناس یک انقلابی نبود گرچه گاه شکلک آن را می ساخت.

صفحه ۴

فرصت را از دست ندهیم!

خطاب به کارگران پیشرو و فعالان ضد سرمایه داری

صفحه ۱۲

برنامه اقدام کارگری
به مناسبت اول ماه مه

مهدی ریاضی

به مناسبت اول ماه مه

برنامه اقدام کارگری

طرح پیشنهادی

صفحه ۲

سخنرانی م. رازی

در کنگره کمیته برای بین الملل مارکسیستی

من درودهای رفیقانه ی، رفقایمان در ایران را ابلاغ می دارم، بخصوص رفقای جوان و کارگران ما که با نظام سرمایه داری ایران حدود ۲۵ سال مبارزه کرده اند. ما با دیدگاه رفیق آن وود در مورد «چشم انداز ۲۰۰۴» کاملاً موافقیم. چیزی که ما امروز شاهد آن هستیم، بحران عمیق اقتصادی نظام سرمایه داری است. بقول کارل مارکس، نظام سرمایه داری بورژوازی باعث رشد نیروهای تولید می شود، اما همزمان نظام سرمایه داری گورکن های خود را خلق می کند.

صفحه ۵

پیام اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی ایران به کنگره کمیته برای بین الملل مارکسیستی

صفحه ۶

www.javaan.net

به مناسبت اول ماه مه

برنامه اقدام کارگری

طرح پیشنهادی

۸- مبارزه با امپریالیزم

کشور ایران مانند بسیاری دیگر از کشورهای «عقب نگهداشته» دنیا؛ سالهای سال تحت سلطه امپریالیزم قرار داشته است. فقر و فلاکت و عقب افتادگی جامعه ما ناشی از این سلطه بوده است. بنابر این هرگونه تلاشی برای بهبود وضع محرومین جامعه و از میان برداشتن نابرابری های عمیق اجتماعی در ایران بدون مبارزه ای جدی علیه سلطه امپریالیزم بی معنی و بی فایده خواهد بود. اشغال عراق و افعانستان توسط نیروهای امپریالیستی به سرکردگی دولت آمریکا؛ نشاندهنده روش قلدرمنشانه و تهدید آمیز این دول در برخورد به مسایل مردم ستمدیده منطقه است.

از اینرو یکی از مرکزی ترین تکالیف انقلاب ایران و منطقه؛ و یکی از ملموس ترین اهداف مبارزات زحمتکشان و ستمدیدگان رهایی از زیر یوغ امپریالیزم جهانی است. طبقه کارگر و ستمدیدگان ایران از همان ابتدا با این وظیفه مرکزی مقابله با امپریالیزم رویرو بوده و همواره در سطوح مختلف اجتماعی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ضرورت مبارزه با آن را احساس کرده اند.

توده های کارگر؛ زحمتکش و ستمدیده همواره خطر تهاجم امپریالیزم به خود را جدی تلقی کرده اند و به تجربه دریافته اند که با هر قدمی که در راه پیشبرد انقلاب بر می دارند خطر این تهاجم جدی تر می گردد. اینک دولت سرمایه داری (هر دو جناح) در جهت تدارک دعوت سرمایه داران جهانی برای «سرمایه گذاری» (استثمار کارگران) اقدام علنی به عمل آورده است. از سوی دیگر سرمایه داری جهانی برای انتقال سرمایه های خود به ایران و اعمال استثمار مضاعف بر کارگران، امنیت سرمایه و ضمانت اجرای قوانین بین

المللی را طلب می کند. تدارک برای این زمینه سازی ها و تسهیلات، از سالهای پیش آغاز شده، و در اجلاس ۱۷ ژوئن ۲۰۰۲ (۲۷ خرداد ۱۳۸۱) سران ۱۵ کشور اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ، رسمیت یافت و دوره اول مذاکرات رسمی از دسامبر ۲۰۰۲ آغاز شد. دور دوم مذاکرات دولت، در خصوص موافقت نامه های تجارت و همکاری اقتصادی در ۱۶ بهمن ۱۳۸۱ در بروکسل انجام شد. در پی این تحولات نوین؛ محمد خزاعی، رئیس کل «سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی»، اعلام کرد که ایران در ماههای پیش ۵۴ طرح درخواست سرمایه گذاری با حجم ۴/۵ میلیارد دلار دریافت کرده که این رقم از قراردادهای ۱۰ سال گذشته بیشتر بوده است. بنابراین اهداف سرمایه داری جهانی در راستای ایجاد زمینه ضروری برای سرمایه گذاری و استثمار مضاعف کارگران ایران در شرف تحقق است. ایجاد شعبه سازمان بین المللی کار و تشکیل سندیکای کارگر در ایران نیز در همین راستا است.

در چنین وضعیتی، خطر این تهاجمات سیاسی هر چه بیشتر محسوس است و عناصر آگاه و مبارز و کارگران پیشرو ضرورت حفظ و استحکام دست آوردهای کنونی خود (هر چند ناچیز) و مبارزه قاطعانه برای ریشه کن ساختن نفوذ امپریالیزم و ایادی داخلی آن از ایران را هر چه بیشتر در می یابند. کارگران؛ زحمتکشان و ستمدیدگان ایران دریافته اند که یا باید به سلطه امپریالیزم برای همیشه پایان دهند و یا بار دیگر، چون گذشته، با شکست مواجه گردند.

اما نخستین نکته ای که باید برای همه کارگران، ستمدیدگان و زحمتکشان روشن باشد این است که برای پیشبرد مبارزه با امپریالیزم نمی توان و نمی باید به سیاستمداران صاحبان ثروت و دولت آنان چشم دوخت.

دولت ایران با احیاء وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیزم باعث از هم پاشیدگی بخش اعظم تولیدات داخلی خواهد شد. امپریالیزم جهانی قراردادهایی به مراتب بیشتر و قیمت هایی به مراتب

غیرعادلانه تر از گذشته را به ایران تحمیل خواهد کرد.

از دولتی که به دوش قیام محرومین و ستمدیدگان ایران به قدرت رسیده است اما از همان روز اول دست به بازسازی نظام ظلم و استبداد سرمایه داری زده است چه توقعی بیش از این می توان داشت؟ کارگران و زحمتکشان ایران باید با ارائه راه حل مستقل خود و سازماندهی مبارزات مستقل خود مبارزه علیه امپریالیزم و ایادی داخلی آن را به پیش ببرند.

صاحبان ثروت که خود بخشی از سلطه امپریالیزم هستند، قادر به اجرای چنین مبارزه ای نیستند. آنها فقط می توانند راه را برای سلطه جدید امپریالیزم فراهم سازند. آنها با مردم فریبی های به اصطلاح «ضدامپریالیستی» هدفی جز منحرف ساختن زحمتکشان از مبارزه واقعی برای زدودن کثافات امپریالیزم و ریشه کن کردن واقعی سلطه آن ندارند. پرسیدنی است که «مبارزه با شیطان بزرگ» این دولتمداران به کجا انجامید؟

آنها می خواهند چنین وانمود سازند که مبارزات دهقانان فقیر برای کسب حق خویش بر زمین، مبارزات کارگران برای استقرار کنترل کارگران بر تولید، مبارزات ملیت های ستمدیده برای کسب حق تعیین سرنوشت خویش، مبارزات زنان برای رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، مبارزات مردم برای استقرار رژیم دموکراتیک و کسب حقوق ابتدائی آزادی بیان و تشکل، و بطور خلاصه کلیه مبارزاتی که واقعاً دست امپریالیزم و ایادی داخلی آن را از ایران کوتاه خواهد کرد، دولت سرمایه داری را از «سازندگی» منحرف می سازد!

برنامه ریزی اقتصادی برای بازسازی اقتصاد کشور

برخلاف ادعاهای سیاستمداران دولت، امپریالیزم به «توطئه های آمریکا» علیه انقلاب ایران خلاصه نمی شود. امپریالیزم سیاست توطئه گرانه دولت های سرمایه داری اروپایی و آمریکایی و ژاپنی نیست. امپریالیزم نظامی جهانی سرمایه داری است. امپریالیزم صرفاً از طریق توطئه و مهره های دست نشانده ای نظیر شاه سابق سلطه خود را بر



کشورهای محروم جهان حفظ نمی کند، بلکه بوسیله استقرار نظام سرمایه داری در این کشورها به هزار و یک طریق سلطه خود را ریشه دار و مستحکم می سازد.

نظام سرمایه داری در ایران و انگیزه سود به عنوان تنها محرک فعالیت های اقتصادی است که امپریالیزم برای جامعه محروم ما به ارمغان آورده است. فقر و بدبختی اکثریت عظیم مردم ما، فساد اقلیت قلیل طبقات دارا، از هم پاشیدگی کشاورزی و ناتوانی مملکت در اجرای یک برنامه صحیح صنعتی کردن، همگی ناشی از سلطه امپریالیزم و نفوذ سرمایه داری در ایران است. برای از میان برداشتن آثار تخریب این سلطه باید ریشه این تسلط یعنی نظام سودجویی سرمایه داری را از میان برداریم. باید به جای هرج و مرج اقتصاد بازار، اقتصادی با برنامه که در جهت منافع مردم محروم ما سازمان داده شود، مستقر گردد.

مقابله با تهاجم نظامی

تدارک جهت مقابله با هجوم نظامی امپریالیزم (گرچه در شرایط کنونی غیر محتمل است) از اهمیت ویژه ای برخوردار است. حضور نیروهای نظامی امپریالیزم در عراق؛ افغانستان؛ پاکستان؛ اقیانوس هند و خلیج، تهدید مستقیمی است علیه زحمتکشان ایران و منطقه. عملیات کماندیی امپریالیزم در افغانستان و عراق خطر تهاجم نظامی امپریالیزم را در عمل نشان می دهد. امپریالیزم صرفاً برای "تادیب صدام" به منطقه خاورمیانه نیامد، بلکه برای سرکوب کلیه زحمتکشان منطقه خاور میانه و باز گذاشتن دست های دولت اسرائیل؛ لشکرکشی کرده است. جهت مقابله با تهاجم احتمالی نظامی امپریالیزم نمی توان به ارتش دول سرمایه داری منطقه اتکا کرد. این دول همه شان با امپریالیزم آمریکا وارد سازش می شوند. برای نمونه در سالهای اخیر نقش دولت های «ضد امپریالیستی» سوریه؛ لیبی و ایران را می توان دید.

کارگران و زحمتکشان جهت حفظ دست آوردهای مبارزات خودشان در مقابل تهاجم نظامی امپریالیزم نمی توانند به

برنامه و سیاست های دولت ایران، برنامه ای برای اقدام سرمایه داری است. هدف آنان حراست و حفاظت از نظام سرمایه داری و احیاء روابط نزدیک با سرمایه داری جهانی است. نقشه آنان اعمال استثمار مضاعف بر طبقه کارگر و زحمتکشان ایران است. قصد آنان اخذ ارزش افزونه و انباشت ثروت از طریق خرید نیروی کار زحمتکشان به بهایی ارزان تر از ارزش واقعی آنست.

در تقابل با برنامه آشکار و پنهان سرمایه داران برای استثمار کارگران، ضروری است که زحمتکشان نیز برنامه اقدام خود را داشته باشند. برنامه ای که آنان را برای مقابله روزمره با دولت سرمایه داری آماده کرده و شرایط را برای استقرار حکومت کارگری آماده کند. اکنون با پیوند آشکار نظام سرمایه داری جهانی با دولت سرمایه داری ایران؛ کلیه قشرهای استثمارشونده جامعه: کارگران؛ زحمتکشان؛ ملیت های تحت ستم؛ جوانان مبارزو زنان مبارز، می توانند برنامه اقدامی که آنان را زیر یک پرچم واحد ضد سرمایه داری و برای مبارزات روزمره ضد سرمایه داری گرد آورده و متحد کرده؛ تدوین کنند. مفاد این برنامه می تواند متکی بر مطالباتی باشد که از آگاهی کنونی قشرهای تحت ستم آغاز شده و آنان را برای مقابله روزمره با سرمایه داری تا سرحد کسب حکومت کارگری؛ رهنمود دهد.

کارگران و زحمتکشان می توانند پیرامون مفاد این برنامه؛ مبادرت به خود سازماندهی کرده و در هر حوزه مبارزاتی با معرفی نمایندگان واقعی خود، وارد صحنه عمل گردند.

ارتش و دیگر دستگاه های دولت سرمایه داران تکیه کنند. آنها به سازمان های مستقل خودشان نیاز دارند. جنبش ضد امپریالیستی توده های زحمتکش راه مبارزه با خطر تهاجم نظامی امپریالیزم را در تشکیل ارتش ستمدیدگان و زحمتکشان پیدا خواهد کرد. تنها شورای کارگران و دیگر زحمتکشان هستند که می توانند توده های وسیع مردم را در چنین ارتشی متشکل کنند.

حکومت سرمایه داران «ضدامپریالیست» با وجود همه جنجال هایی که در مورد تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی به راه انداخته بودند، عملاً در راه ایجاد چنین ارتشی مانع ایجاد کرد و نهایتاً امروز خود تسلیم امپریالیزم شد. طبقات دارا چشم دیدن توده های مسلح را خارج از کنترل خودشان ندارند. آنها در کردستان و ترکمن صحرا به دهقانان و زحمتکشان مسلح که به مبارزه با زمینداران بزرگ و دیگر کثافات باقی مانده از سلطه امپریالیزم دست زده بودند، حمله کردند. دستور خلع سلاح عمومی پس از پیروزی قیام بهمن ماه در ایران هنوز فراموش نشده است. وظیفه تدارک مقابله با خطر هجوم نظامی امپریالیزم برعهده شوراهای کارگران و دیگر زحمتکشان است.

آموزش نظامی کارگران در ساعات کار مهمترین قدمی است که شوراهای

کارگری جهت مسلح کردن کارگران می توانند بردارند. شوراهای کارگران و دیگر زحمتکشان و سایر سازمان های مستقل توده ای باید جهت مقابله با هجوم نظامی امپریالیزم آموزش نظامی دیده و در صورت لزوم مسلح شوند.

سلب مالکیت از امپریالیزم و سرمایه دارانبا جهت گیری علنی رژیم حاکم بر ایران به سمت امپریالیزم، واضح است که قدرت اصلی اقتصاد در دوره آتی هر چه بیشتر در دست امپریالیزم و سرمایه داران بزرگ باقی خواهد ماند. بهبود وضعیت عمومی زحمتکشان و کارگران جامعه ایران به سلب مالکیت از امپریالیزم و سرمایه داران بستگی دارد. در این مورد درخواست های کارگران از قرار زیرند:

۱- کلیه بانک ها باید ملی اعلام گردند. نیازهای مالی جامعه باید از طریق برنامه ریزی مرکزی توسط بانک ها تأمین گردند. سلب مالکیت از بانکداران بزرگ وابسته به امپریالیزم و متمرکز کردن کلیه نظام اعتباری در یک بانک واحد ملی تحت کنترل منتخبین مردم تنها راه حل بحران اقتصادی است. بانک ملی باید با ایجاد شرایط سهل و مناسب اعتبار در اختیار کشاورزان و کسبه قرار دهد. به کارگران کارخانه هایی که تعطیل شده و یا رو به تعطیلی هستند؛ باید وام های بانکی تعلق گیرد تا تولید و توزیع کارخانه ها را خود بدست گیرند.



۲- همراه با ملی کردن بانک ها باید تمام صنایع عمده، شرکت های بیمه و بخش های عمده تجارت خارجی ملی و تحت نظارت منتخبین مردم اعلام شوند. تا بتوان در جهت رفع نیازهای جامعه اقدامات جدی به عمل آورد. این اقدام به مفهوم مصادره اموال روستائیان و واحدهای تجاری کوچک و پیشه وران نیست.

۳- ارقام صادرات و واردات و اسامی تجار داخلی و خارجی باید به طور علنی در رسانه های گروهی اعلام گردند تا مردم از وضعیت بازرگانی با اطلاع باشند و از حیف و میل ها جلوگیری کنند.

۴- کلیه دارایی سرمایه داران و ثروتمندان بازار که از قبل زحمتکشان و کارگران، سرمایه انباشت کرده اند، سرمایه آنان که به بانک های خارجی پول ارسال کرده اند و شرکت های امپریالیستی، باید بدون پرداخت غرامت مصادره گردند.

لطفا تکثیر کنید و به دست کارگران پیشرو برسانید!

مهدی ریاضی

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۳

mehdi_riazi@hotmail.com
<http://iwsn.topcities.com/RIAZI/index.html>

سر سخن

در طی این سالها قبله ی او به تناسب اوضاع سیاسی کشور و تحولات آن بارها چرخید. سابق براین، زمانی که هنوز از محمد خاتمی با عنوان رییس جمهور محبوب نام می بردند، او فرمیسست دو آتشه ای بود. عکس بزرگی از محبوب بیست میلیونی را بالای تخت اش زده بود تا هر صبح که از خواب بلند می شود اولین چهره ای که می بیند رییس جمهورش باشد. شعارهای «آزادی بیان»، «مردم سالاری دینی» و «ایران برای همه ی ایرانیان» را با خطی خوش نگاشته و آویزه ی دیوار کرده بود. آن روزها فعال سرشناس در دوجبهه می جنگید، چماقداران بسیجی که البته گردن کلفت تر از آن بودند که او بیش از متلک

بتواند نصیبشان کند و بعد دوستانش که به او خرده می گرفتند که: «چرا خود را آلت دست کسانی ساخته ای که به هیچ یک از شعارهای فریبانه ی خود جامعه ی عمل نپوشانده اند و اصلاً قصد چنین کاری را هم ندارند. کسانی که ماهیت واقعی شان و منافع شان ایجاب می کند که استبداد همه جانبه را در حق توده های تحت ستم یعنی آن میلیونهای انسان استثمار شده به دست نظام سرمایه حافظ باشند. آنها زانده ای ناگسستگی از خود نظام جمهوری اسلامی بوده و در مقابله با بخش سرمایه داری سنتی آن در حقیقت جاده صاف کن امپریالیسم اند برای شیوع شیوه ای نوین از استثمار سرمایه.»

ابتدا فعال سرشناس در برابر منطق دوستانش سکوت می کرد، هرچه بود او از طبقه ی کارگر بود. پدرش کارگر بازنشسته ای بود که به سختی مخارج زندگی خانواده ی خود را تامین می کرد. در واقع آن چه در فعال سرشناس حساسیت مبارزه را می زد فقر سیاه زندگی اش بود هرچند که در مبارزه بیراهه را برگزیده بود. به همین علت در لحظات اول میان واقعیت و کذبیتی که مسخ شان شده بود دست و پا می زد. مردم می ماند که کدام را انتخاب کند، گسست از اصلاح طلبان و وعده های سرخرمنشان را یا قطع مرادوه با رفقای که در هر فرصتی او را از عروسک خیمه شب بازی شدن چپ آخوندی بر حذر می داشتند. تردیدی که خیلی زود جایش را به ایمانی راسخ می داد، فعال سرشناس پس از آن که با یکی دو نفر از وابستگان فلان حزب دوم خردادی مشورت می کرد و به پیشنهاد آنان چند ساعتی را صرف مطالعه روزنامه ها و مجلات اصلاح طلبان می کرد، به زعم خویش توان منکوب ساختن رفقای خویش را به دست می آورد. این بار او با حرارت از موانع پیش پای محبوب و همپالگی هایش سنگری برای خویش و آرمانهای پوشالی اش می ساخت و رفقا را نگران حماقتی می کرد که این چنین مصرانه از باور واقعیت سرباز می زد.

و این مجادلات بی پایان همچنان ادامه پیدا کرد تا روزی رسید که دیگر خود فعال سرشناس نیز نتوانست دوگاتگی در شعار و عمل محبوب خویش را انکار کند. آن روز عکس را پاره کرد و بعد با لحنی سرخورده چنین گفت: «او ما را فریفت!» پس از آن فعال سرشناس از

سمت خود در انجمن اسلامی استعفا داد و برای مدتی از سیاست کناره گرفت. عارف شد و عرفان را این بار جایگزین تمامی آرمانهایی ساخت که با آن شور و صف ناپذیر در تحقق شان جنگیده بود.

اما این دوران نیز پایدار نماند، چندی نگذشت که دوباره فعال سرشناس وارد عرصه شد و این بار دل به شعارهای رادیکال ترین اصلاح طلبانی که از جبهه دوم خرداد جدا گشته بودند بست. مشارکتی ها، مجاهدین انقلاب، ملی مذهبی ها و تمامی آتھایی که هنوز به پشتوانه ی آنچه از قدرت برایشان باقی مانده بود می توانستند در تریبونهای دانشگاه با اطمینان خاطر از مصونیت از احکام دستگاه قضاییه و زندانها و شکنجه گاههای اطلاعات، «دمکراسی خواهی» را سرپوش اهداف اصلی خود در چپاول توده ها بسازند. فعال سرشناس حال فعال تراز زمانی که اسپرتوهم دوم خرداد بود در جلسات سخنرانی، اردوهای توجیهی و کنگره های آموزشی محبوبین جدید شرکت می کرد و رفقاییش را بیش از پیش نگران ساخته بود چراکه دیگر از بی عدالتی حاکم بر جامعه شاکی نبود، شکاف طبقاتی را از خاطر برده بود و دغدغه فقر را نداشت. همه ی رفقا در پی آن بودند که بدانند چه بر سر او آمده است. تا آن که فعال سرشناس در بحثهای گروهی کلاس اقتصاد عمومی به یکباره تغییر موضع داد.

او جانب افاضات استادی را می گرفت که خود سرمایه دار بود و به این ترتیب سرمایه داری از نوع لیبرال آن را به شدت می ستود. فعال سرشناس لیبرال شده بود! رفقاییش مبهوت شده بودند چراکه او عدالت را در حالی زیر سوال می برد که خود یکی از قربانیان بی شمار بی عدالتی است. حال برای فعال سرشناس که مغزش ملغمه ای از تنوریهای ساخت جامعه سرمایه داری گشته بود، انسانها دو دسته بودند: استثمارگران که شایستگی استفاده از امکانات بهتر و بیشتر را داشتند زیرا از توانایی چپاول دیگران ذاتاً بهره مند و استثمارشوندگان که چاره ای جز تن دادن به استثمار نداشتند چراکه از زیرکی لازم برای به یغما بردن دست رنج انسانی دیگر بی بهره بودند! برابری برای فعال سرشناس دیگر مفهومی موهم، ساخته ذهن آرمانگرایان خیال پرداز بود. او را به این نتیجه



رسانده بودند که اصولاً طبیعت بشر برابر طلب نیست و حتی اگر روزی به خود انسانهای که برای برابری مبارزه می کنند سهمی برابر از دنیا را بدهند، فردا خود آنان برابری را با نابرابری جایگزین خواهند کرد!

اما سالها در گذر بودند و هم زمان با فارغ گشتن فعال سرشناس از تحصیل، محبوبین او مغلوب حریف خود گشته بودند. آنها قدرت را از کف داده و همراه با آن مصنوینتهای خود را نیز. تریبونهای دانشگاه دیگر رونق گذشته را نداشت. در نتیجه فعالیتهای سیاسی فعال سرشناس بسیار محدود گشته بود، در نوشته هایش محافظه کاری تازه ای به چشم می خورد. حامیان دیروز وی اینک خود نیازمند حمایت بودند و فعال سرشناس با مدرکی فارغ التحصیل می شد که حاشیه اش را توضیحات حراست دانشگاه سیاه کرده بود.

از آن تاریخ گذشت و ماهها بعد ما فعال سرشناس را در حالی ملاقات کردیم که وضعیت روحی مناسبی نداشت. روزنامه ای بدست گرفته بود و پشت باجه ی تلفن، با سکه هایی که در دست داشت بازی می کرد. بیکاری کلافه اش کرده بود. از زندگی اش پرسیدیم.

دستهای زخمی اش را به ما نشان داد و گفت که برنامه هر روزه اش این است که هر صبح، به میدان خارج از شهر برود تا مگر شانس بیاورد و از میان آن همه کارگر ساختمانی به کارش بگیرند و اگر موفق نشود درست مثل امروز، آگهی های استخدام را جستجو می کند و روزرا پشت باجه های تلفن می گذراند. پدرش را به این خاطر از دست داده بود که نتوانسته بودند مخارج درمان بیماریش را فراهم کنند و حال فعال سرشناس سرپرست خانواده ی خود شده بود.

یاد روزگار گذشته را کردیم، روزهای دانشجویی مان که او با آن حرارت در مجادله های بی پایان مارا محکوم به خیال پردازی می کرد. تبسم تلخی بر لبان فعال سرشناس نشست، آهسته نالید:

سرمایه داری ما را فریفت، همان طور که پیش از ما بسیاری را فریفته بود و در آینده نیز بسیاری دیگر را خواهد فریفت!

رزا جوان
۸۳/۵/۲۵

سخنرانی م. رازی

در کنگره * کمیته برای بین الملل مارکسیستی

ایران گذاشته است. بورژوازی ایران که در گذشته به دو گرایش تقسیم شده بود: رفورمیست ها و بنیادگرایان. اما امروز شکل ظاهری آن تغییر کرده است. بنیادگرایان که به اصطلاح دارای گرایش ضد امپریالیستی بودند و می کوشیدند تا شعارهای ضد امپریالیستی دهند، بعد از اشغال عراق، تسلیم امپریالیزم جهانی شدند.

گرایش رفورمیستی که در گذشته رابطه نزدیکی با کشورهای اروپایی داشت، عملاً کنار گذاشته شده است. چند ساعت پیش، من مقاله ای در یکی روزنامه های ایران در باره رابطه ایران و عراق خواندم؛ خیلی طنزآمیز بود. نوشته بود که وزیر خارجه ایران (به اصطلاح نماینده بنیادگرایان) با نماینده دولت عراق برای اولین بار ملاقات کرده و ۱۰ میلیون دلار کمک بلاعوض و ۲۰۰ میلیون دلار اعتبار به دولت عراق هدیه داده است. طنز آن در اینجا است که بیشتر نمایندگان دولت عراق در حال حاضر مأمور «سیا»ی آمریکا می باشند. این دولت به اصطلاح ضد امپریالیستی بنیادگرایان ایران جوی را بوجود آورده تا بتواند به دولت های غربی نزدیک شود و این امر در آینده نزدیک تأثیر عمیقی بر جنبش کارگری ایران خواهد گذاشت.

اگر چه طبقه کارگر در گذشته به شکلی نسبت به گرایش های موجود توهم داشت، اکنون برای اولین بار اتحاد این گرایشات را درون رژیم در پیوندی نزدیک با امپریالیزم می بیند که دوران شاه را تداعی می کند. در ایران برنامه تأسیس دفتر سازمان بین المللی کار به منظور ایجاد اتحادیه های کارگری طرفدار غرب، در دستور کار است. از این طریق بورژوازی ایران با کمک بورژوازی ۱۵ کشور اروپایی و علاوه بر آن حالا هم با کمک امپریالیزم آمریکا آماده جلوگیری از انقلاب آینده ایران می شود. باید بگویم که وضعیت طبقه کارگر در ۲۵ سال گذشته اختناق آمیز بوده و کارگران سرکوب و کشته شده اند تنها به دلیل اعتراض به حداقل دستمزدها و حقوق عقب افتاده اش. چند ماه پیش در خاطون آباد، کارگران به دلیل اعتراض به اخراج ها مورد حمله قرار گرفته و ۴ تن کشته شدند. با وصف این سرکوب ها طبقه کارگر یک سلسله روش نوینی برای مبارزه دست یافتند. در چند سال گذشته در

بعد از اشغال افغانستان و عراق، ما شاهد حضور صدها هزار گورکنان سرمایه داری هستیم. ما در آینده نزدیک شاهد موج رادیکالیزه شدن جوانان در جهان و بخصوص در خاورمیانه خواهیم بود. این وضعیت کنونی در گذشته هم چندین بار پیش آمده است. بعد از انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷ و بعد از جنگ ویتنام حدود سه دهه پیش و حالا، ما ناظر وجود جوی مشابه ای می باشیم. اشغال عراق و افغانستان تأثیر عمیقی بر وضعیت سیاسی

روزگار گذشته را کردیم، روزهای دانشجویی مان که او با آن حرارت در مجادله های بی پایان مارا محکوم به خیال پردازی می کرد. تبسم تلخی بر لبان فعال سرشناس نشست، آهسته نالید:

هر اعتصاب و اعتراض کارگری، سه گرایش فکری ظاهر می شوند. گرایش اول، گرایشی است که از در معاشات با جمهوری اسلامی برآمده و کوشش می کند که با رژیم از در همکاری درآید (خانه کارگر). گرایش دوم گرایشی است که در چارچوب اصلاح طلبی فعالیت کرده و کوشش می کند تا وضعیت را آرام نگه دارد. گرایش سوم گرایشی است که گرچه از تعداد زیادی برخوردار نیست اما مطالبات نظیر کنترل کارگری را طرح کرده است. این کارگران به مدیران و نمایندگان دولت می گویند که اگر کارخانه سودآور نیست آن را به خود ما واگذار کنید. کارگران معتقد به این گرایشات در مراسم اول ماه مه امسال شرکت داشتند.

سه نوع تظاهرات و تجمع در اول ماه مه صورت گرفت: اولین تظاهرات توسط خانه کارگر ترتیب داده شد؛ دوم، جمعیتی توسط گرایشات رفورمیستی سازماندهی شدند؛ سوم، جمعیتی صورت گرفت که توسط بخش رادیکال جنبش کارگری جاده مخصوص کرج و هم چنین در چند شهر دیگر تظاهراتی در اول ماه مه مستقل از دولت صورت گرفت. مطالبات مرکزی این بخش علیه سرمایه داری بود. در تجمع جاده مخصوص کرج قطعنامه ای گذرانده شد با مطالبات انتقالی و رادیکال. (این قطعنامه در این کنگره توزیع شد). در این تجمع برای نخستین بار رفقای جوان ما در جهت پیوند با کارگران رادیکال شرکت کردند.

فعالیت های آتی ما در سه سطح صورت می گیرد، در وهله اول دخالتگری در تشکل های مستقل کارگری که امکان تشکیل آن در آتیه خواهد بود حتی اگر این تجمع کارگری توسط سازمان بین المللی کار صورت بگیرد به شرط این که توده های وسیع کارگری در آن شرکت کنند، ما نیز با حفظ مطالبات و اهداف خود در آن دخالت خواهیم کرد. دومین تدارک ما دخالت در تشکیل کمیته های کارگری خواهد بود. سومین بخش از دخالتگری تشکیل هسته های کارگری -سوسیالیستی بر محور برنامه خاص خودمان خواهد بود.

برخلاف بسیاری از سازمان های استالینیستی و سانتریستی که احزاب خود را جدا از طبقه کارگر در خارج از کشور ایجاد می کنند، ما بر این اعتقادیم که در

پایه های کارگری همراه با آنها در مبارزات روزمره اشان شرکت کنیم.

هم چنین ما اعتقاد بر انترناسیونالیزم داریم و در صدد ایجاد یک مرکز قوی سوسیالیستی همراه با سایر رفقای سوسیالیست انقلابی در منطقه بر آمدیم و این هم باید در ارتباط تنگاتنگ با تشکیل یک بین الملل انقلابی صورت گیرد. همانطور که آن وود در جمع بندی خود به آن اشاره کرد دلیل گردهمایی ما برای ایجاد یک سازمان بین المللی در راستای انقلاب سوسیالیستی جهانی است.

همانطور که مارکس اشاره کرد امروز میلیون ها گورکن در جوامع بین المللی وجود دارد اما مسأله ما سازماندهی گورکنانی است که امپریالیسم را برای همیشه دفن کنند.

۱ اوت ۲۰۰۴
۱۲ مرداد ۱۳۸۳

* کنگره با ۲۸۰ تن از نمایندگان و ناظران بیش از ۲۶ کشور در تابستان ۲۰۰۴ در اسپانیا برگزار شد. هیئت نمایندگی فعالان سوسیالیست انقلابی از کشورهای زیر شرکت داشتند: ایران؛ پاکستان؛ سیرالانکا؛ مکزیک؛ ونزویلا؛ آرژانتین؛ اسرائیل؛ ایرلند؛ اسپانیا، ایتالیا، بریتانیا؛ فرانسه؛ اتریش؛ بلژیک؛ آلمان؛ دانمارک؛ سوئد؛ لهستان؛ کورواسیا؛ صربستان؛ مسدومیا؛ روسیه؛ یونان؛ آمریکا و کانادا؛ کوبا.

درودهای بی کران ما را از سرزمینی پذیرا باشید که اینک در حوض سیاه تاریخ خویش هر لحظه بیش از پیش بر گلو فشار چنگال ارتجاع را حس می کند.

رفقا!

دردی مشترک ما را ناگزیر به هم پیوند می زند. درمان نیز یکی است چرا که بر دست و پای جهان ما، امپریالیزم زنجیری است از بیشمار حلقه ها ی بهم پیوسته ی سرمایه داری وطنی.

از این رو است که در باور ما رهایی را تنها یک انتخاب است: انقلاب سرخ جهانی.

رفقا!

در اندیشه ی سوسیالیستهای جوان سرزمین ما شعله ی آموزه های مارکسیسم زبانه می کشد تا بسوزاند ریشه ی آنچه را که نه تنها خانمان ما را برسرمان آوار ساخته که در اوراق تاریخ بشریت، به فقر و فلاکت میلیاردها انسان در زمانهای دگر و مکانهایی دگر نیز منجرگشته است.

رفقا!

ما بر این اعتقادیم که برای گسستن زنجیر استعمار، ضرورت امروز جنبش، اتحاد سوسیالیستها در یک بین الملل، با حضور پیشتازان انقلابی از سراسر نقاط جهان می باشد. در راه تحقق این اتحاد ما صمیمانه دست شما را می فشاریم.

سرنگون باد امپریالیزم جهانی
زنده باد انقلاب سوسیالیستی
جهانی

۱۱ مرداد ۱۳۸۳

پیام اتحادیه جوانان
سوسیالیست انقلابی ایران
به
کنگره کمیته برای بین الملل
مارکسیستی

روزنامه سوسیالیست

انقلاب ونزوئلا و انقلاب ایران

متن سخنرانی م. رازی در کنگره «کمیته برای بین الملل مارکسیستی» در مورد انقلاب ونزوئلا



توده ها خواهان دستیابی به مطالبات دموکراتیکی مانند مسأله ارضی، آزادی و سایر اشکال مطالبات دموکراتیک هستند که دولت بورژوایی قادر به برآورده کردن آنها نیست. آنها هم چنین برای مطالبات سوسیالیستی مثل کنترل کارگری، برنامه اقتصادی و مدیریت کارگری در جامعه مبارزه می کنند. در ونزوئلا تا آنجائی که

به توده ها مربوط می شود، پیشرفت وجود داشته اما مسلماً به خاطر کمبود وجود رهبری، تمام مطالبات توده ها به طرف یک نفر به نام "شوز" جهت گیری شده است. به عبارت دیگر توده ها از شوز به خاطر اینکه شخص شوز یا اینکه او از چه دفاع می کند، نیست که از او حمایت می کنند. بلکه به خاطر این است که او مطالبات آنها را بازتاب می دهد.

رفیق آلن وود، شرح صحیحی از شوز داد، وقتی گفت که شوز یک دموکرات صادق است. من با این نظر موافقم. شوز دموکرات صادقی است که عملاً در این مقطع، مطالبات توده های مردم را بازتاب می دهد. اما آنچه که در این مقطع از دخالتمان، ما می باید برای توده ها توضیح دهیم، این است که ژنرال های پشت سر شوز نه دموکرات هستند و نه صادق. اگر چه در حال حاضر خیلی از این ژنرال ها، با وسائل نظامی پیشرفته که در اختیار دارند، از شوز حمایت می کنند اما تجربه تاریخی نشان داده که همه آنها در یک موقعیت خاص، می توانند ۱۸۰ درجه تغییر جهت دهند. در نتیجه ما در تبلیغات و کار اجتماعی مان می باید درباره این موضوع مرکزی صحبت کنیم. و آن این است که ما باید برای توده ها ماهیت هیئت دولت را روشن کنیم. زیرا این ژنرال ها و ارتش بخش مهمی از دولت شوز را تشکیل می دهند و دولت تنها به شخص شوز ختم نمی شود.

رفیقی که پیش از من صحبت کرد، گفت که بعد از ۱۵ اوت سه راه پیش روی شوز باز است. ما همه امیدوار بودیم که او از راه سوم حرف بزند، چون راه سوم در مورد ملی کردن و دادن قدرت به دست طبقه کارگر بود. تجربه در این مقطع نشان داده است این کار امکان پذیر نیست، مگر اینکه توده ها مسلح شده و امکان خلع سلاح کردن ارتش بوجود آید. نقش ارتش در این مرحله بسیار حائز اهمیت است، چون رده های پایین آن در این انقلاب شرکت دارند.

آنچه که مارکس و انگلس پیش از هر چیز دیگر به ما می آموزند، این است که برای ورود به مرحله انقلاب و برای اینکه در مرحله انقلابی پیروز شویم باید دولت سرمایه داری سرنگون کرده و دولت تازه کارگری را مستقر نماییم. این در واقع تفاوتی بسیار حیاتی بین سازمان های

انقلابی با سازمان های خرده بورژوایی است.

من با تحلیل های رفیق چوردی و رفیق ریگاردو بر روی مسأله فعالیت و دخالت رفقا در درون جنبش کاملاً موافقم. البته تفاوت بسیار فاحشی بین فعالیت ما و فرقه گرایاتی که در خانه های خود مخفی شده و می ترسند در این انقلاب شرکت کنند، وجود دارد. در حقیقت حضور و دخالت ما در امور روزانه در مورد انتخابات ۱۵ اوت جهت شکست جناح راست، بسیار اهمیت دارد. این مسأله در زمینه تربیت کادرها حائز اهمیت حیاتی جهت ساختن حزب پیشتاز انقلابی کادرهای انقلابی است و این کار را با نشستن در خانه و انتقاد کردن از شوز و ارگان های دولتی نمی شود انجام داد.

این تجربه ای است که ما از انقلاب ایران آموخته و می خواهیم آنرا به انقلاب ونزوئلا انتقال دهیم.

۳ اوت ۲۰۰۴

۱۳ مرداد ۱۳۸۳



جوان سوسیالیست

نشریه اتحادیه
جوانان سوسیالیست
انقلابی ایران

سردبیر: رزا جوان
roza_javaan@fastmail.fm

۱۹
شماره

۲۵ مرداد ۱۳۸۳

سخنی با جوانان سوسیالیست درباره ی سازمان یابی

صفحه ۸

شعارها و مطالبات اجتماعی

نوشته ای که مشاهده می کنید مصاحبه ای است با رفیق م- رازی در مورد مساله جوانان که در اختیار سایت جوان سوسیالیست قرار گرفته است (آبان ۱۳۸۲).

سئوال: اولین مسئله ای که می خواستم بعنوان سئوال اول مطرح کنم، در رابطه با اشکال مختلف شعارها و مطالبات اجتماعی است که در مقابل طبقه کارگر و سایر اقشار متحد طبقه کارگر وجود دارد.

همانطور که در جلسات پیش صحبت کردیم، ماهیت حزب پیشتاز انقلابی اصولاً برای تدارک انقلاب کارگری است. یعنی حزب و پیشگام انقلابی با انگیزه آماده کردن کل طبقه کارگر برای اتکا به مسائل خودشان، برای گرفتن قدرت بدست خودشان و همچنین برای مدیریت کارگری، در دوران پس از انقلاب پا به عرصه فعالیت سیاسی می گذارد.

بنابراین در دوران پیشانقلابی واضح است که مسئله اصلی حزب ایجاد این تدارکات است. تدارکاتی که از طریق مطالبات مرتبط به جنبش کارگری تحقق پیدا می کند و این مطالبات خواسته های گوناگونی هستند که در سطح جامعه طرح می شوند. یکی از مطالباتی که ما در دوران گذشته شاهد آن بودیم و از مطالبات اساسی جامعه است، مسئله مطالبات جاری قشرهای مختلف جامعه می

باشد که مطالبات دموکراتیک نامیده شود.

این مطالبات در واقع در سطوح مختلف در جامعه ما طرح شده و مبارزاتی هم حول و حوش آن انجام شده. و واضح است که در دوره آتی وقتی که حزب پیشتاز انقلابی پا به عرصه فعالیت می گذارد باید این مطالبات را از آن خود کرده و حول این مطالبات مبارزه خود و مبارزه طبقه کارگر را سازمان دهد.

مطالبات دموکراتیک در واقع یک سلسله مطالباتی هستند که الزاماً با سلطه بورژوازی در تضاد نیستند. بعنوان مثال مسئله آزادی های اجتماعی، حق بیان، حق تشکل، حق اعتصاب، آزادی تأسیس سندیکاها، کارگری آموزش و پرورش همگانی رایگان، لغو قوانین حقوقی و جزایی ارتجایی موجود و برابری کامل زنان و مردان در تمام سطوح، آزادی و احترام به حقوق و حیثیت بشری و غیره.

همانگونه که در دوره گذشته در داخل ایران مشاهده کردیم، از آنجایی که یک رژیم کاملاً ارتجایی بر مصدر قدرت وجود داشت، این سلسله شعارها عموماً در جامعه ما طرح نشدند و اینها از خواسته ها و مطالبات اولیه اجتماع ما در داخل ایران بوده مثل همین مطالباتی که بر شمردم و از این نقطه نظر در دوره گذشته این شعارها در رأس فعالیتها و در رأس مطالبات قرار گرفتند. منتهی در دوره آتی با تحولاتی که در داخل ایران ایجاد می شود امکان این هست که بعضی از این مطالبات توسط دولت بورژوایی مدرن سرمایه داری که متکی به سیاست های امپریالیستی است تحقق پیدا کند و یا حداقل زمینه و تدارکات اولیه آن طرح شود.

بعنوان مثال امروز ما می بینیم که دولت سرمایه داری ایران متکی به سازمان بین المللی کار در حال ایجاد سندیکاها، کارگری برای کارگران ایران است و یا امکان این وجود دارد که مسئله تجمع و تشکل و یا یک سلسله آزادی های دموکراتیک را طرح کنند (مسئله ای که در اینجا قابل ذکر می باشد این است که این مطالبات دموکراتیک هنوز هیچکدام در داخل ایران تحقق پیدا نکرده اند). ولی طرح این مطالبات و مبارزه برای آنها الزاماً دولت سرمایه داری را مورد سئوال

قرار نمی دهد. یعنی از تحقق این شعارها و این مطالبات الزاماً به برکناری و سرنگونی نظام سرمایه داری منجر نمی شود ولی کماکان اینها شعارها و مطالبات اساسی طبقه کارگر در دوره آتی خواهد بود.

از آنجایی که رژیم فعلی مذهب را به عنوان یکی از حربه های تحمیق توده ها بکار می برد و از قانون عرفی و مدنی و قوانین جزایی اسلامی برای پیشبرد مقاصد خود استفاده می کند، یکی از شعارهای دموکراتیک می تواند آزادی پوشش و لغو حجاب اجباری باشد که یکی از مسائل زنان در داخل ایران می باشد.

سئوال: اگر همانگونه که شما توضیح دادید رژیم پای این خواسته ها رفته و مثلاً آزادی پوشش را اجازه دهد در حقیقت یکی از پایه های اساسی عقیدتی و ایدئولوژیکی حکومت مذهبی خود را شکسته است. شما فکر می کنید که بورژوازی ایران چنین توانایی را دارد که پای پاسخ دادن به چنین شعارهای دموکراتیکی رود؟

رژیم ایران این کار را نخواهد کرد و یا حداقل تمایل به این کار را نشان نداده و با این خواسته مبارزه خواهند کرد. یعنی بخشهایی از درون هیئت حاکمه در مقابل این شعارهای دموکراتیک قد علم خواهند کرد و در واقع راه تحقق این شعارهای دموکراتیک را مسدود خواهند کرد. مسئله ای که وجود دارد این است که سیستم سرمایه داری ایران در حال ادغام شدن در سیستم بین المللی امپریالیستی است. همانطور که دوستان مطلع هستند از یک سال و نیم پیش تا کنون سفرهای متعددی از سوی وزرای امور خارجه اروپایی به ایران شده است. همین چندی پیش آقای چک استرو وزیر امور خارجه بریتانیا به ایران سفر کرد و همینطور سفرهای متعددی از جانب دول مختلف به ایران شده و کشورهای اروپایی یک سلسله فشارها برای انجام مطالبات و احیای یک ارتباط تنگاتنگ با ایران به رژیم ایران آورده اند و حداقل در شکل ظاهری هم که شده امکان دارد یک سلسله زمینه ریزیهایی که منطبق با وضعیت و مترادف با قوانین بین المللی است بر دولت ایران تحمیل کنند.

سوسیالیست

البته این به این مفهوم نیست که دولت ایران خواهان این چنین حقوقی است. این به این معنی است که بر اساس روابط بین المللی این مطالبات حداقل به شکل ظاهری هم که شده در سطح جامعه طرح شود. اتفاقی که خواهد افتاد این است که طبقه کارگر، روشنفکران و تمام اقشار تحت ستم از این روزنه ها باید کمال استفاده را کرده و این مطالبات را به نهایت خودشان یعنی بر تحقق کامل و واقعی آن رسانند. از این نقطه نظر مبارزه حول مطالبات دموکراتیک در جامعه ما یکی از مسائلی محوری است که نیروهای سوسیالیست انقلاب، حزب پیشتاز انقلابی باید در رأس فعالیت خود قرار دهد.

زیرا که دولت سرمایه داری ایران وقتی این مسائل را طرح می کند به این مفهوم نیست که اولاً این مسائل به خودی خود توسط خود دولت به سرانجام خواهد رسید یا تحقق خواهد پذیرفت. بلکه حتی ممکن است برخی از این مطالبات را اعطا کند و بعد از چند ماه پس بگیرد. از این نقطه نظر مبارزه حول شعارهای دموکراتیک برای گرفتن حق اولیه دموکراتیک در سطح جامعه بسیار مهم است. این شامل تمام مواردی است که اشاره کردم، شامل مسئله پوشش بر زنان و همچنین مسئله برابری زن و مرد خواهد بود. حتی مسئله جدایی مذهب از دولت و ایجاد یک جامعه سکولار در واقع در محور این شعارها قرار خواهد گرفت و از این نقطه نظر مبارزه حول و حوش این شعارها اهمیت زیادی دارد.

سوال: بجز شعارهای دموکراتیکی که اینجا در باره آن صحبت کردیم آیا شعارهای دیگری امروز در سطح جامعه وجود دارد و اگر عمدتاً وجود دارد لطفاً در مورد آنها صحبتی نمایید.

یکی دیگر از شعارهایی که در دوره گذشته اصولاً در سطح جامعه شاهد آن بودیم و امروز هم وجود دارد، شعارهای سنتاً حداقل و یا شعارهای صنفی طبقه کارگر هستند. مطالباتی نظیر حقوق بیکاری، بیمه های اجتماعی، بیمه های بازنشستگی، حق مرخصی با پرداخت دستمزد و غیره... اینها در واقع یکسری مطالبات صنفی طبقه کارگر هستند و در اقشار متفاوت هم ما شاهد این نوع مطالبات هستیم. در قشر دانشجویان هم ما شاهد این هستیم که این شعارها برای حل

مسائل صنفی دانشجویی طرح شده. اما این شعارها هم الزاماً چهارچوب و نظام سرمایه داری را از هم نخواهد پاشید به این علت که این مطالبات هم ممکن است برخی یا بخشاً در مرحله ای توسط خود دولت طرح شود و تحقق پیدا کند.

ولی کماکان این شعارها هم شعارهایی هستند که هیچکدام تا کنون تحقق پیدا نکرده اند. مانند حقوق بیکاری، بیمه های اجتماعی، که از مطالبات اساسی طبقه کارگر هستند و یا حق مرخصی. همانطور که ما شاهد آن هستیم طبقه کارگر ایران ماه ها است که حقوق اولیه خود را دریافت نکرده اند چه برسد به این که خواسته های صنفی کارگران پاسخ گرفته باشد. ولی در هر صورت، کماکان این شعارها یعنی شعارهای به اصطلاح سنتا حداقل یا شعارهای صنفی هم یکی از مطالباتی محوری خواهد بود که توسط حزب پیشتاز انقلابی باید طرح شود و حول آن مبارزه گردد. منتهی در عین حال باید کاملاً آگاه باشیم که تحقق این شعارها یا تحقق بخشی از این شعارها مستلزم شکسته شدن چهارچوب نظام سرمایه داری نیست.

سوال: شما از شعارهای صنفی و مطالبات دموکراتیک طبقه کارگر صحبت کردید. مسئله این است که برای تحقق شعارهای صنفی هم که در مقابل طبقه کارگر وجود دارد احقاق مطالبات دموکراتیک ضروری است. بعنوان مثال برای مبارزه و طرح دریافت حق بیکاری و بیمه های اجتماعی در درون جامعه ابتدا باید طبقه کارگر حق تشکل داشته باشد و بتواند تشکلات خود را بوجود آورد. لطفاً در مورد رابطه بین تحقق شعارهای صنفی و شعارهای دموکراتیک توضیح دهید.

کاملاً درست است. در واقع پیوند بسیار نزدیک و ارگانیکی بین تمام مطالباتی که در سطح جامعه طرح می شود وجود دارد. مطالباتی که ما در مقابل خودمان در جامعه اختناق زده ایران داریم مطالباتی است که ناشی از ماهیت ارتجاعی دولت ایران است. دولتی که تمام مطالبات، تمام خواسته ها، تمام حقوق اجتماعی را سرکوب کرده و بطور سیستماتیک این دولت جامعه را در موقعیتی قرار داده که هیچ دیوار چینی بین مطالباتی که در سطح جامعه طرح می شود وجود ندارد.

بعنوان نمونه من به خواسته های بخشی از طبقه کارگر ایران مثلاً کارگران بارش اصفهان اشاره می کنم. نزدیک به دو سال پیش یکی از مطالبات کارگران از جمله کارگران بارش اصفهان در واقع دریافت حقوق عقب افتاده آنها بود که این یک شعار، شعاری کاملاً صنفی و مرتبط به وضعیت خودشان بود. اما به محض اینکه کارگران وارد پروسه اعتراض به دولت و مدیران شدند و در اعتراض به وضعیت موجود و باز پس گرفتن حقوق عقب افتاده خود جمعیتی سازمان دادند، فوراً سرکوب گردیده و عده زیادی از آنها دستگیر شده و به زندان افتادند.

بلافاصله پس از این اتفاق ما مشاهده کردیم که یک سلسله شعارهای دموکراتیک مثل آزادی زندانیان سیاسی در درون کارگران بارش طرح می شود.

یعنی اینکه کارگران از یک سلسله شعارهای صنفی آغاز و روز بعد از دستگیری به یک سلسله شعارهای دموکراتیک می رسند. به شعار آزادی بیان می رسند و به مطالبات دیگری که در سطح جامعه وجود ندارد می رسند. بنابراین به دلیل ماهیت ارتجاعی رژیم و اختناق حاکم، شعارهایی که در سطح جامعه طرح می شود به همدیگر پیوند می خورند. از یکی شروع شده و به دیگری ختم می شود و از یکی دیگر شروع شده و به یک سلسله شعارهای بالاتری می رسند. از این نقطه نظر هیچ وجه تمایزی بین این شعارها وجود ندارد گرچه ما در تحلیل هایمان باید این شعارها را از هم جدا شده طرح و بررسی کنیم.

سوال: یکی از مسائل دیگر طبقه کارگر شعارها و مطالباتی است که می تواند از آگاهی های حاضر طبقه کارگر نشأت گرفته و به آگاهی های حداکثر طبقه کارگر برسد، لطفاً در رابطه با این گونه شعارها نظرتان را مطرح نمایید.

همانطور که ذکر کردم تحقق شعارهای اولیه، یعنی شعارهای دموکراتیک مانند آزادی بیان، حقوق برابر زنان و مردان و غیره... مستلزم شکسته شدن چهارچوب دولت سرمایه داری نیستند. و همچنین مطالبات صنفی مانند حقوق بیکاری و بیمه های اجتماعی و غیره اینها هم تحققشان منجر به سرنگونی رژیم و از هم پاشی نظام سرمایه داری در ایران



نیست. چه بسا امکان دارد در آینده در یک موقعیت خاص، یک سلسله حقوق دموکراتیک و یک سلسله حقوق صنفی کارگران و کل جامعه توسط رژیم و در ارتباط با فشارهای بین المللی تحقق پیدا کند. ولی در میان این مطالبات یک سلسله مطالباتی دیگری هستند که ما این مطالبات را به نام مطالبات انتقالی می شناسیم.

مطالبات انتقالی شعارهایی هستند که تحقق نهایی آنها مستلزم شکسته شدن چهارچوب نظام سرمایه داری است. این شعارها و این مطالبات شامل شعارهایی مانند افزایش دستمزدها متناسب با تورم یا کاهش ساعات کار متناسب با افزایش بیکاری یا باز کردن دفترهای دخل و خرج شرکتها، کارخانه ها، بانکها یا نظارت مستقیم کارگری برای تدوین قوانین موجود و یا شعار مرکزی این نوع مطالبات یعنی کنترل بر تولید و توزیع در جامعه هستند.

البته توضیح خواهم داد که مفهوم این شعارها چیست. در واقع طرح این شعارها از آگاهی فعلی طبقه کارگر و کل جامعه سرچشمه می گیرد ولی نظام سرمایه داری موجود قابلیت تحقق دادن به این خواسته ها را ندارد. مانند کنترل کارگری، کنترل بر تولید و توزیع. به این مفهوم که بعنوان کارگران خواهان این می شوند، بعنوان مثال کارخانه هایی وجود دارند که در شرایطی کار در آنها متوقف شده و این توقف کار منجر می شود که کارگران و کارکنان این کارخانه بیکار شوند، دولت موظف است این کارخانه ها را به کارگران آن کارخانه ها واگذار کند. وامهای بانکی مهیا شود و اینها را واگذار کند به خود کارگران که کنترل امور تولیدی و توزیعی را در دست بگیرند و در واقع خود سرنوشت خودشان را رقم بزنند.

حقوق کارگران را خود بپردازند و منافع تولید را در دست خود بگیرند و غیره. این قابل پذیرش برای دولت سرمایه داری نیست. دولت سرمایه داری، اولین روزی که به چنین کاری تن دهد بدین معنی است که پایه های اصلی نظام سرمایه داری را متزلزل کرده است. از این نقطه نظر رودرویی بین طبقه کارگر و دولت سرمایه داری و مدیران کارخانه ها از طریق طرح این شعارها تشدید پیدا می کند. این شعارها منجر به این خواهد شد

که طبقه کارگر برای نخستین بار اعتماد به نفس پیدا کند و در واقع یک سلسله فعالیتهایی را تجربه کند و نشان دهد که حداقل نیرو و قابلیت تنظیم فعالیتهای خودش را دارد. در نتیجه می تواند حتی در آینده حکومت خود را داشته باشد و همچنین می تواند مدیریت کارگری را اعمال کند.



در آتیه پس از سرنگونی رژیم، در نتیجه این شعارها تضاد اساسی بین طبقه کارگر و دولت سرمایه داری ایجاد خواهد شد. از این روست که من تأکید می کنم تحقق این شعارها در واقع مستلزم شکسته شدن چهارچوب نظام سرمایه داری است. و این یکی از شعارها و مطالبات اساسی و محوری است که حزب پیشتاز انقلابی همراه با کارگران پیشرو کارخانه ها باید در رأس کار و فعالیتهای خود قرار دهند و در صدد طرح و تحقق این شعارها بر آیند و این مسئله محوری و مسئله اساسی و کلیدی جنبش کارگری در دوره آتیه خواهد بود.

بعنوان مثال یکی دیگر از این شعارها افزایش دستمزدها متناسب با تورم است. یعنی به این مفهوم که اگر تورم ۲۰ و یا ۳۰ درصد افزایش پیدا کند، دستمزدهای کارگران هم باید ۲۰ و یا ۳۰ درصد افزایش پیدا کند. خوب و واضح است که این مورد قبول دولت سرمایه داری قرار نمی گیرد و این را تحقق نمی دهد به این علت که اگر چنین کند دیگر سودها و ارزش افزونه را سرمایه داران نخواهند توانست کسب کنند و در نتیجه استفاده از نیروی کار طبقه کارگرمقدور نخواهد بود.

از این نقطه نظر این مطالبات اساسی طبقه کارگر در دوره آتی خواهد بود. یکی دیگر از این شعارها باز کردن دفترهای

دخل و خرج شرکتها است که در اذهان عمومی هم طرح شده است. دولتهای سرمایه داری مانند دولت ایران همواره ادعا کرده اند که کارخانه ها سودآور نیستند و متحمل ضرر می شوند و به این دلیل است که کارخانه ها بسته شده و کارگران اخراج می شوند. بنابراین کارگران در مقابل این حرکت سیستم سرمایه داری تقاضای گشایش دفترهای دخل و خرج کارخانه ها را می کنند و عنوان می کنند که اگر چنین است می خواهند بدانند که حقوق مدیران چقدر می باشد، و حقوق کارگران چقدر است. وامهایی که از بانکهای بین المللی دریافت شده چقدر می باشد. سودآوری در گذشته چقدر بوده. بنابراین شعار طرح باز کردن دفترهای دخل و خرج کارخانه ها و شرکتها و بانکها بسیار حائز اهمیت است.

واضح است که دولت سرمایه داری تن به این امر نمی دهد و از این نقطه نظر طبقه کارگر و پیشرو کارگری و حزب طبقه کارگر از طریق این شعارها می تواند کل طبقه کارگر را بسیج کند و این تحقق دادن به این شعارها تمام پایه های نظام سرمایه داری را متزلزل و از هم می پاشد. از این نقطه نظر این شعارها و یا مطالبات که مطالبات انتقالی نام دارد، باید پیشروی کارگری و حزب پیشتاز انقلابی کمال استفاده را نمایند.

سئوال: شعارهای انتقالی که از آن صحبت کردید و بیشتر طرح و تمرکز آن را در رابطه با طبقه کارگر گذاشتید می تواند در مورد اقشار دیگر اجتماعی هم طرح شود؟ و برای مقابله با سیاستهای دولت سرمایه داری از آنها استفاده شود؟

بله در بخشهایی دیگر، در اقشار تحت ستم جامعه، این شعارهای انتقالی می تواند طرح گردد و مبارزه حول و حوش آن صورت گیرد. برای مثال در جنبش زنان، برداشتن حجاب اجباری یکی از شعارهایی است که در واقع دولت اسلامی موجود در مقابل آن ایستادگی خواهد کرد. مبارزه حول و حوش این شعار می تواند بسیج کننده باشد و زنان بسیاری را به آگاهی مورد سئوال قرار دادن کل نظام سرمایه داری موجود بکشاند.

در بخشهای مختلف جامعه، همینطور در قشر دانشجویان هم به هر حال شعارهایی در شرایط کنونی مطرح است و مبارزات

تولید را در دست بگیرند و در واقع خود سرنوشت خودشان را رقم بزنند.

دانشجویی حول و حوش این شعارها می تواند پایه های این نظام را متزلزل بکند. در ملیتهای تحت ستم هم همینطور. بسیاری از این شعارها مانند شعار حق تائین سرنوشت تا سرحد جدایی یکی از شعارهای محوری است که در واقع ملیتهای تحت ستم ایران می توانند حول آن مبارزه را آغاز کنند و رودرویی خود را با دولت ارتجاعی مرکزی تشدید کنند و مبارزه حول و حوش آن را به نتیجه مطلوب برسانند.

بنابراین در سطح جامعه یک سلسله شعارهای انتقالی نه تنها در میان طبقه کارگر بلکه در میان اقشار مختلف هم مطرح است. منتهی معمولاً دونوع برخورد با این اقدامات در سطح جامعه می گردد. دو برخورد انحرافی طرح می گردد، چه در میان طبقه کارگر و چه در میان قشرهای دیگر اجتماعی. مثلاً وقتی از طرف دولت و یا سازمان بین المللی کار این صحبت به میان می آید که سندیکاهای کارگری در جامعه ساخته خواهد شد، دو برخورد می شود. یکی اینکه کاملاً از در تسلیم بر میآیند و هیچ نوع مبارزه ای را در مقابل این تصمیم قرار نمی دهند و از زاویه فرصت طلبانه خودشان را در این اقدام حل می کنند.

و یا از سوی دیگر معمولاً در بین نیروهای کمونیست برخورد فرقه گرایانه دیگری طرح می شود و این است که خود را از این اقدامات که در شرف وقوع است کاملاً منزوی می کنند و مطالبه ای طرح نمی کنند و حتی هیچگونه دخالتی نمی کنند که از طریق آن آگاهی توده های کارگر و قشرهای اجتماعی را در مقابل دولت سرمایه داری بالاتر برند. به نظر من طرح مطالبات انتقالی در واقع باید از انگیزه ایجاد پلی بین آگاهی فعلی طبقه کارگر و انقلاب سوسیالیستی که کل جامعه و اقشار اجتماعی را از بند سرمایه داری و اختناق رها می کند، شروع شود.

این مسئله مهمی است و باید توجه کرد که از یک طرف دچار فرصت طلبی نشویم، خودمان را از دخالت در اقداماتی که در سطح جامعه اتفاق می افتد، بخصوص از طرف دولت، منزوی نکنیم و همواره کوشش کرده که یک سلسله مطالباتی کشف کنیم برای ایجاد پیوند بین آگاهی فعلی طبقه کارگر، اقشار اجتماعی و

آگاهی سوسیالیستی و رسیدن به یک انقلاب اجتماعی در سطح جامعه.

سوال: سنوآل دیگری که طرح می شود این است که اگر یک سری مطالبات در شرایط کنونی قابل تحقق نیستند چه لزومی دارد که پیشروی کارگری و حزب پیشتاز انقلابی در زمانی که بوجود می آید این شعارها را در سطح جامعه مطرح کند؟

واضح است شعارهایی که در سطح جامعه طرح میشوند، الزاماً همه آنها قابل تحقق نیستند. پس چرا ما آنها را مطرح می کنیم. علت آن بسیار روشن است و آن این است که طبقه کارگر باید به لزوم و ضرورت سرنگونی نظام سرمایه داری آگاه باشد و طبقه کارگر این کار را بدست خود متکی به توان خود و به نیروی خود انجام خواهد داد. این امکان پذیر نیست مگر اینکه این آگاهی کسب شود. این آگاهی هم بطور خودبخودی و از طریق مرور زمان کسب نمی شود. باید از طریق یک سلسله اقدامات، یک سلسله مطالباتی که از آگاهی فعلی طبقه کارگر آغاز می شود کسب گردد و طبقه کارگر باید در مبارزه روزمره به این آگاهی برسد.

اگر قرار باشد ما در واقع در تحقق همان شعارها و همان مطالباتی که چهار چوب نظام فعلی را در جای خود نگه می دارد بکوشیم و صرفاً آنها را طرح کنیم، همانطور که بسیاری از اصلاح طلبان و نیروهای رفرمیستی در سطح جامعه مطرح می کنند. در نتیجه آگاهی و شعور سیاسی طبقه کارگر و اقشار اجتماعی جامعه بالاتر از آگاهی کنونی آن نخواهد رفت.

اینها به لزوم حکومت خودشان و اتکا به نیروی خودشان هرگز نخواهند رسید. زیرا که دیگر مطالباتی طرح نمی گردد و صرفاً همان چهارچوب موجود اصلاح می شود و چهارچوب موجود لباسهای متغیر به تن می کند. یعنی بخشی از آخوندها کنار می روند و کسانی با کراوات جایگزین آنها شده ولی همان سیاست را پیش می برند و همان سیستم را ادامه می دهند و توده های وسیع جامعه توده های تحت ستم کارگران، دهقانان، اقشار وسیعی از دانشجویان، روشنفکران، زنان و ملیتهای تحت ستم در نتیجه در همان چهارچوب باقی خواهند ماند.

این تفاوت اساسی است بین نظرگاه و دیدگاه گرایش های اصلاح طلب و نیروهای سوسیالیست انقلابی و انقلابیون. اصلاح طلبان در واقع از طریق طرح شعارها و مطالباتی که قصد تضمین و تحکیم این سیستم و با همان محتوی را دارد، با تغییر ظاهر سیستم آغاز می کنند. ولی نیروهای انقلابی و نیروهای سوسیالیست انقلابی می خواهند حکومت دیگری، سیستم دیگری را جایگزین این سیستم نمایند که بمراتب عالی تر و دموکراتیک تر خواهد بود و بمراتب شرایط را هموار خواهد کرد که نیروهای مولده رشد کنند و کار برای همگان بوجود آید و همچنین اقتصاد شکوفا گردد.

از این نقطه نظر تفاوت اساسی وجود دارد بین کسانی که قصد دارند نظام را در همین چهارچوب تزیین کنند و کسانی که قصد دارند نظام را کنار گذاشته و نظام والاتری را جایگزین آن نمایند.

از این نقطه نظر مسئله شعارهایی که در چهار چوب نظام موجود قابل تحقق نیست، طرح آن بسیار حیاتی و ضروری می باشد. این منجر به این می گردد که آگاهی طبقه کارگر، آگاهی اقشار اجتماعی بالاتر رفته و متکی به نیروی خودشان اعتماد کسب کنند و در مورد حکومت آتی که متکی به نیروی اکثریت جامعه است فکر کنند و آگاهی کسب نمایند.

رفیق مرآزی بسیار متشکرم که در برنامه امروز بار دیگر در کنار ما بودید و در این گفتگو شرکت کردید.

من هم از شما سپاسگزارم و آرزوی موفقیت می کنم برای تمام مبارزین در ایران.

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش طبقه کارگر!

زنده باد سوسیالیزم!

اتحادیه جوانان سوسیالیست انقلابی
<http://www.javaan.net> ایران

www.javaan.net

فرصت را از دست ندهیم!

خطاب به کارگران پیشرو و فعالان ضد سرمایه داری

پس از برگزاری اول مه امسال؛ نوبت بررسی چشم انداز فعالیت های آتی در درون جنبش کارگری است. وقایع اول ماه چند نکته را نشان داد که می توان بر اتکا به آنها چشم انداز وظایف آتی را واقع بینانه تر از پیش ترسیم کرد.

اول؛ برگزاری و سازماندهی تجمعات مستقل کارگری (هر چند با تعداد محدود)؛ نشانگر کسب اعتماد به نفس در بخشی از کارگران ضد سرمایه داری است. شکل سازماندهی و برگزاری نشست ها و تجمعات کارگری مستقل از نهادهای دولتی نمودار تحولات نوین در جنبش کارگری است.

دوم؛ محتوای قطعنامه ها تصویب شده در مراسم روز جهانی کارگر به ویژه در نشست جاده مخصوص کرج حاوی عناصری از رادیکالیسم در برخورد به نظام سرمایه داری است. مطالبات تدافعی کارگری در سال های پیش به مطالبات تهاجمی و ضد سرمایه داری مبدل می گردد. درخواست هایی که مرتبط به آگاهی کنونی کارگران بوده و از مبارزات روزمره آنان نشأت گرفته، اما در عین حال نظام سرمایه داری را مورد سؤال قرار می دهد، در قطعنامه جاده مخصوص کرج مشاهده شده که می تواند تکامل یابد.

سوم؛ برگزاری تظاهرات مستقل بدون کسب اجازه از نهادهای دولتی به ویژه جسارت کارگران در برگزاری اول ماه مه در سقز که منجر به دستگیری چند تن از فعالان کارگری شد؛ و متعاقباً حمایت های سایر کارگران ایران و در سطح بین المللی و تحت فشار قرار گرفتن دولت در رها ساختن آنها از زندان؛ نشانگر تغییر در تناسب قوا به نفع کارگران است.

چهارم؛ مبارزه بخشی از فعالان کارگری با انحرافات فرقه گرایانه و فرصت طلبانه در اول ماه مه و افشا آنان؛ نشانگر ایجاد گرایش های رادیکال و

انقلابی در میان کارگران پیشرو و ضد سرمایه داری است.

در چنین اوضاعی است که باید چشم انداز صحیحی برای گام بعدی اتخاذ گردد.

امروز؛ آنچه بیش از هر موضوعی حائز اهمیت است مسئله سازماندهی فعالان ضد سرمایه داری کارگری است. سازماندهی کارگران ضد سرمایه داری نیز بدون تشکیلات امکان پذیر نیست.

به سخن دیگر؛ برای سازماندهی مبارزات ضد سرمایه داری؛ برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری؛ برای مقابله با نهادهای کارگری دولتی؛ برای سازماندهی تظاهرات و اعتصابات؛ برای مقابله با انحرافات فرقه گرایانه و فرصت طلبانه در درون جنبش کارگری؛ برای کسب اعتماد به نفس؛ و نهایتاً تشکیل نهادهای شورایی؛ کارگران ضد سرمایه داری به ستون فقرات یا مغز متفکر نیاز دارند. این ستون فقرات و مغز متفکر تشکیلات آنان است.

تشکیلات کارگری در وضعیت کنونی می تواند بر محور گسترش و تقویت کمیته های کارگری و هسته های کارگری سوسیالیستی شرایط دخالتهای کارگران پیشرو در درون جنبش کارگری را برای دوره آتی هموار کند.

اما؛ ایجاد تشکیلات کارگری به علت سالها اختناق و سرکوب کارگران و دیکتاتوری سرمایه داری حاکم، گامی نیست که بتوان یک روزه برداشته شود. هنوز کارگران پیشروی ضد سرمایه داری از پراکندگی و افتراق رنج می برند. کماکان کارگران پیشرو از ضعف تنوریک و مسایل نظری رنج می برند. به سخن دیگر نه تجارب تشکیلاتی متمرکز و یک پارچه در میان کارگران وجود دارد و نه نظرات تنوریک متکی بر چکیده نظری و عملی ۲۰۰ سال مبارزات کارگری جهانی (مارکسیزم انقلابی) در درون کارگران پیشرو جمع بندی شده است.

از اینرو برای تدارکات تشکیلاتی و نظری به گام مقدماتی ای نیاز است. این گام ایجاد یک اتحادی از کارگران مبارز و ضد سرمایه داری و

سوسیالیست انقلابی است بر محور سازماندهی فعالیت های مشترک ضد سرمایه داری؛ و همچنین بحث و تبادل نظر در مورد چگونگی ایجاد تشکیلات کارگری. اتحاد کارگران پیشرو می تواند بر محور یک نشریه کارگری مرتب و مشترک سازمان یابد. این اتحاد هنوز یک تشکیلات و سازمان کارگری نیست. بلکه اتحادی است از کارگران مبارز ضد سرمایه داری و سوسیالیست انقلابی بر اساس دو محور:

(الف) فعالیت های مشترک ضد سرمایه داری بر محور یک برنامه اقدام کارگری (طرح پیشنهادی این برنامه ارائه داده شده است و می تواند نقد و بررسی و ترمیم گردد).

(ب) تبادل نظر برای تدارک و تقویت کمیته های کارگری و هسته های کارگری سوسیالیستی.

کارگران پیشرویی که با این دو محور توافق داشته و با گرایش های فرقه گرا (سازمان های سنتی) و فرصت طلب (سندیکالیستی) مرزبندی داشته و معتقد به مبارزات ضد سرمایه داری و سوسیالیسم انقلابی هستند می توانند از فعالان این اتحاد کارگری باشند.

این اتحاد با رعایت اصل دموکراسی کارگری و حق گرایش برای تمام نظریات موجود شکل می گیرد. به سخن دیگر هیچ فرد و گرایشی به علت داشتن اعتقاد؛ نظر و برنامه ای حذف نمی گردد. تصمیمات پیشبرد فعالیت های نظری و عملی به شکل جمعی و شورایی و در صورت لزوم انتخاب یک شورای هماهنگی صورت می پذیرد.

فرصت را از دست ندهیم!
تدارک ایجاد تشکیلات کارگری را سازمان دهیم!

لطفا تکثیر کنید و به دست کارگران پیشرو برسانید!

مهدی ریاضی

۸ مرداد ۱۳۸۳

mehdi_riazi@hotmail.com

